عجیب مازندرانی

سلطان القرائی، جعفر

در صفحهء 499 شماره 9 مجله دانش مقالهء در باب مرحوم عجیب مازندرانی با انشاء آقای محمد فرهمند دیدم که کاشف ار فرط علاقه و رغبت نویسنده محترم به تحصیل اطلاع از تاریخ زندگانی شاعر مذکور و احیاء آثار آن مرحوم بود.این معنی نگارنده را موجب شد شرحیرا که معاصرش احمد بن ابی الحسن شریف شیرازی ملقب به دیوان بیگی‏1متوفی حدود سال هزار و سیصدو ده هجری قمری در تاریخ حیات او در تذکرهء خود آورده در اکمال‏ آن مقاله مسطور دارد.باشد که ارباب تتبع و اصحاب ادب را مفید و ممتع شود.

مرحوم دیوان بیگی قصائدی با چند بیت عربی از آن مرحوم روایت کرده.چون قصائد منقوله در کتاب گنج شایگان مذکور است و ابیات عربیه نیز عجمه داشت نگارنده سطور از نقل آنها احتراز و تنها بروایت چند بیت فارسی که در آن کتاب نیست اقتصاد نمود چنانکه‏ در آخر ترجمه حالش خواهد آمد.

عجیب مازندرانی اسمش محمد خلیل است.از قراریکه میرزا طاهر در گنج شایگان‏ نوشته وجه این تخلص آنست کهک در هشت سالگی از مازندران با پدر خود به دار الخلافه‏ طهران آمد و مشغول مدح‏سرائی رجال دولت گردید در کمال فصاحت و بلاغت و همه را حیرت دست داد.حال او را بشاهنشاه مبرور محمد شاه طاب ثراه عرض کردند باحضارش حکم‏ رفت و با قصیدهء محکم بحضور مشرف شد.پادشاهش با آن صغرسن چنان هنرمند دیده متخلص‏ به عجیبش فرمود و مورد اشفاق و الطاف و مامور بدوام حضور گردید و تا زمان بلوغ در همه وقت و همه‏جا در حضرت سلطنش بار بود.بعد از آنکه بحد بلوغ رسید از آن اختصاص‏ ممنوع گردید ولی دربار عام و خاص راه داشت و حاضر بود و کسب عطا و جائزه می‏نمود. و هم میرزا طاهر نوشته که غالبا طالب صحبت عرفاء و سالک مسلک فقراء است،در میان‏ عرفاء شاعر است و در زمرهء شعرا عارف و از برای او همت و بسط ید ذکر کرده

اما خاتمه حال عجیب.او در اواخر عمر سفری به حاج ترخان نمود و در آنجا قدری‏ وجه تحصیل و مراجعت کرد.مغرضین در حضرت سلطنت عرض کردند که عجیب در حاج ترخان‏ بمدح صاحبمنصبان روس قصائد گفته و از آنها صله گرفته و این مطلب بخاطر شاه گران‏ افتاد.وقتی عجیت قصیده در مدح گفت و خواست بخواند اذن نیافت.عهد کرد دیگر مدح‏ سلطان نگوید و هرچه میگوید در مدائح ائمه اطهار عرض کند و بمازندران رفت و باندک‏ زمان بدرود جهان نمود.رحلتش در حدود هزار و دویست و هشتاد بود.

(1)-رجوع شود بکتاب مراة الفصاحة تألیف مرحوم شیخ مفید بن محمد نبی شیرازی متخلص به داور متولد در سال 1251 و متوفی در سال 1325 هجری قمری و افادات دانشمند محترم آقای عباس‏ اقبال در بعضی از شماره‏های مجله یادگار در سالهای اخیر.